

U.S. International Responsibility for Martyrdom of Major General Soleimani

Received: 31/01/2020; Accepted: 24/06/2020

Gholamali Ghasemi¹
Mohamad Setayeshpur²

Abstract

Drone airstrike in the territory of Iraq led to martyrdom of Major General Qasem Soleimani and nine of his companions. The present paper has collected the information through a library approach in order to answer the question of legal status of US action in the martyrdom of Major General Soleimani under international responsibility in violation of human rights obligations. This research is based on an assumption according to which US is responsible and the as a result, the related consequences can be sought under international law. Martyrdom of General Soleimani and his companions had been committed by US president direct order, according to his implicit statement. Therefore it is attributed to USA pursuant to article 4 of International law commission's Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (ARSIWA 2001), and has been regarded breach of international obligations of the state in question in the realm of treaty and customary of international human rights. As such, both attribution and breach of international obligation, as two elements of internationally wrongful act have been realized and USA is regarded responsible in accordance with Articles 1 and 2 of ARSIWA 2001. USA as the wrongdoer state must provide a valid and persuasive Assurance of non-repetition (Article 30(b) of ARSIWA 2001), must compensate and provide satisfaction (Articles 36 and 37 of ARSIWA 2001). Satisfaction and Assurance of non-repetition must be valid and real and, in this situation, complete withdrawal of US forces from the region in question and specially Iraq, may make it achievable.

Key Words: Martyr Soleimani, United States of America, Trump Administration, Breach of International Obligation, Internationally Wrongful Act, International Responsibility



1 Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom (Corresponding Author); Email: g.ghasemi43@gmail.com.

2 Ph. D. in International Law, Faculty of Law, University of Qom.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مسئولیت بین‌المللی آمریکا در شهادت سردار سلیمانی

تاریخ دریافت ۹۸/۱۱/۱۱ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۴/۰۴ غلامعلی قاسمی^۱

محمد ستایش پور^۲

چکیده

حمله هوایی پهبادی در سرزمین عراق به شهادت سردار قاسم سلیمانی و ۹ تن از همراهان ایشان انجامید. مقاله حاضر با روش کتابخانه‌ای اطلاعات را گردآوری کرده است تا به مسأله وضعیت حقوقی اقدام آمریکا در شهادت سردار سلیمانی از نگاه حقوق مسئولیت بین‌المللی در نقض تعهد حقوق بشر پاسخ دهد. جستار حاضر بر این فرضیه مبتنی شده است که آمریکا مسئولیت دارد و بالمآل، به لحاظ حقوقی بین‌المللی می‌توان به دنبال پیامدهای آن بود. شهادت سردار سلیمانی و همراهان ایشان به تصریح رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، تحت دستور مستقیم وی بوده است. از این رو، طبق ماده (۴) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی، به آمریکا منتسب است و نقض تعهدات معاهداتی و عرفی کشور در زمینه حقوق بین‌الملل بشر دانسته می‌شود. بدین ترتیب، هر دو عنصر انتساب و نقض تعهد بین‌المللی محقق شده و طبق مواد (۱) و (۲) مجموعه مواد ۲۰۰۱، آمریکا مسئولیت بین‌المللی دارد. آمریکا به عنوان کشور متخلف باید تضمین معتبر و متقاعدکننده به عدم تکرار بدهد (ماده ۳۰ ب) مجموعه مواد ۲۰۰۱)، غرامت بپردازد و جلب رضایت صورت گیرد (مواد ۳۶ و ۳۷ مجموعه مواد ۲۰۰۱). جلب رضایت و تضمین عدم تکرار باید به طور معتبر و واقعی (غیرصوری) باشد و در این مورد، این امر با خروج کامل نیروهای آمریکا از منطقه و به‌ویژه عراق محقق می‌شود.

واژگان کلیدی: شهید سلیمانی، ایالات متحده آمریکا، دولت ترامپ، نقض تعهد بین‌المللی، عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی.

۱ دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

g.ghasemi43@gmail.com

۲ دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.



مقدمه

در ساعت‌های آغازین بامداد روز جمعه، ۱۳ دی ۱۳۹۸ هجری شمسی، سردار قاسم سلیمانی و ۹ نفر از همراهان ایشان، از جمله ابومهدی مهندس، در فرودگاه بغداد، طی حمله پهبادی به فیض شهادت نائل آمدند. با توجه به نقش پررنگی که سردار رشید اسلام، سردار قاسم سلیمانی، در دفاع از اسلام و ایران علیه دشمنان ایفا کردند و به عنوان یک شخصیت بین‌المللی، مساعدت‌های شایان توجهی به کشورهای منطقه در مقابله با تکفیر، اشغال خارجی و تروریسم داشتند، شهادت ایشان موجب شد تا هر انسان آزاده‌ای در اقصی نقاط دنیا متأثر گردد.^۳

شهادت ایشان به سرعت واکنش اشخاص حقوقی و سیاسی کشورهای مختلف را به دنبال داشت؛ این فاجعه از منظر زمینه‌های گوناگون حقوق بین‌الملل نظیر حقوق بین‌الملل بشر، حقوق بین‌الملل توسل به زور و حقوق مسئولیت بین‌المللی قابل بررسی است. در این میان، واکاوی شهادت ایشان از نگاه حقوق مسئولیت بین‌المللی به عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل که با بیشتر دیگر زمینه‌های حقوق بین‌الملل ارتباط دارد بسیار حائز اهمیت است. حقوق مسئولیت بین‌المللی، زمینه‌ای از حقوق بین‌الملل است که قواعد آن متضمن تعهدات ثانویه هستند (ابراهیم گل، ۱۳۹۲: ۱۳)؛ یعنی تعهداتی که در پس نقض تعهد اولیه، صرف نظر از مبنا و منشأیی که دارند مطرح می‌شوند (ARSIWA, 2001: Arts. 54 & 55) (سیفی، ۱۳۷۳: ۲۶۰-۲۵۹). در حقوق بین‌الملل موضوعه، حقوق مسئولیت بین‌المللی، گویای مسئولیت حقوقی (غیر کیفری) بین‌المللی است و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند که مسئولیت حقوقی (غیر کیفری) بین‌المللی دارند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۵) و مسئولیت بین‌المللی کیفری متوجه اشخاص حقیقی است (شاو، ۱۳۹۴: ۸۹). در این باره



1 <https://www.presstv.com/Detail/2020/01/03/615247/Qassem-Soleimani> (Available at: 03.01.2020).



شایسته توجه است که مسئولیت بین المللی، بدون هیچ قرینه‌ای، ناظر بر مسئولیت بین المللی غیر کیفری است. لذا از این جهت، گفته شده است که هرگاه سخن از مسئولیت بین المللی به میان می‌آید، منظور مسئولیت غیر کیفری است، مگر آن که به صراحت از مسئولیت کیفری یاد شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۹).

جستار حاضر بر آن شده است تا از منظر قواعد حقوق مسئولیت بین المللی به شهادت سردار سلیمانی در نقض تعهدات حقوق بشری پردازد و از رهگذر پرداختن به موضوع یادشده از نگاه حقوق مسئولیت بین المللی به عنوان زمینه‌ای از حقوق بین الملل که متضمن تعهدات ثانویه است، به تعهدات اولیه نیز پردازد؛ چه این که بدون نقض تعهد اولیه، ایجاد تعهد ثانویه محلی از صحت نمی‌یابد. بررسی مسئولیت کیفری عوامل ارتکاب جنایت فرودگاه بغداد در ۱۳ دی ۱۳۹۸ هجری خورشیدی، مصادف با ۳ ژانویه ۲۰۲۰ میلادی و نیز اقدام متقابل جمهوری اسلامی ایران از شمول این مقاله خارج است و هر یک پژوهش‌های مستقلی را می‌طلبند.

در این راه مقاله حاضر کوشیده است تا با تکیه بر مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل در زمینه مسئولیت بین المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین المللی، به موضوع حاضر پردازد. با وجود این که مواد مربوط به مسئولیت بین المللی دولت‌ها هنوز در حد طرح باقی مانده و به شکل معاهده در نیامده است، در عمل بسیاری از تابعان و بازیگران جامعه بین المللی و محاکم بین المللی به آن‌ها استناد می‌کنند که گواه بر اهمیت آورده کمیسیون حقوق بین الملل است. از این روست که به تبعیت از دیگر کتب و مقالات حقوقی، در سطور پیش رو نیز مضاف بر آموزه‌های حقوقدانان و رویه، مستقیماً به مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل در زمینه مسئولیت بین المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین المللی پرداخته شده است. به لحاظ سازمان‌بندی قابل ذکر است که در این راه، نخست به ایجاد مسئولیت در نقض تعهدات حقوق بشری پرداخته می‌شود^۴ و پس از آن به محتوی (پیامدهای) مسئولیت و در نهایت به استناد به مسئولیت پرداخته می‌شود.



۱ اقدام آمریکا از ابعاد مختلفی متخلفانه است و ابعاد دیگر اقدام متخلفانه آمریکا نیازمند پژوهش‌های مستقلی است.



۱. ایجاد مسئولیت بین‌المللی

به موجب مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی،^۵ که قاطبه مواد آن جامه حقوق بین‌المللی عرفی به خود پوشیده‌اند، نقض تعهد اولیه، خود تعهد دیگری ایجاد می‌کند که تعهد ثانویه نامیده می‌شود و قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی، متضمن تعهدات ثانویه هستند (2: UNGA, 2016) (Bordin, 2014: 562-564). به موجب ماده (۱) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، هر عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی همان دولت را در پی دارد (1: ARSIWA, 2001). منظور از دولت، در اینجا کشور است (4 & 1: ARSIWA, 2001, paras. 1 & 4) و چنانچه از شرح و تفسیر کمیسیون از عبارت «entails» برمی‌آید، به محض آن که کشور مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی بشود، مسئولیت حقوقی بین‌المللی آن کشور ایجاد می‌شود (32: ARSIWA, 2001, para. 2). این به آن معنا است که مسئولیت بین‌المللی به دنبال عمل متخلفانه بین‌المللی می‌آید و ایجاد آن خودکار است. در واقع، عمل متخلفانه بین‌المللی که ارتکاب یابد، بدون این که نیاز به اقدام دیگری از سوی زیان دیده یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگری باشد، مسئولیت بین‌المللی مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی ایجاد می‌گردد. لذا وقوع عمل متخلفانه بین‌المللی به منزله ایجاد مسئولیت بین‌المللی مرتکب است. حال، باید تأمل کرد که چه عمل یا اعمالی هستند که متصف به وصف متخلفانه بین‌المللی دانسته می‌شوند. تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی و بالمآل، ایجاد مسئولیت بین‌المللی دولت، مستلزم آن است تا به ترتیب، دو عنصر انتساب و نقض تعهد احراز گردد و این به معنا است که نخست، احراز شود عمل متخلفانه بین‌المللی به کشور یا سازمان بین‌المللی متسبب است و دیگر این که تعهد اولیه نقض شده است.



۱-۱. انتساب

با توجه به این که کشور به عنوان یک شخص حقوقی که تابع فعال و اولیه جامعه بین-المللی دانسته می‌شود، خود دربردارنده اشخاص حقیقی و حقوقی گونه‌گونی است، این مسأله مطرح است که رفتار چه شخص یا اشخاصی به منزله رفتار کشور دانسته می‌شود و به تعبیر بهتر، رفتار چه شخص یا اشخاصی را می‌شود به شخص حقوقی دولت منتسب دانست (زمانی و میرزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۶) (Álvarez Ortega, 2015: 3). کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، در مواد (۴) تا (۱۱) مجموعه مواد ۲۰۰۱ به این موارد پرداخته است. در این باره، هر یک از موارد انتساب که احراز گردد، رفتار مربوطه به آن کشور منتسب دانسته می‌شود و بالمآل، رفتار مطروحه، رفتار آن کشور قلمداد می‌گردد (Fry, 2014: 116). از میان این مواد، به دو ماده می‌توان تکیه جست و البته چنانچه گذشت، حتی یک مورد نیز کفایت می‌کند تا اقدام پیش‌گفته به شخص حقوقی ایالات متحده آمریکا انتساب یابد. در این راه، یک نگاه به منطوق مواد (۴) و (۱۱)، که هم پیش از تنظیم مجموعه مواد ۲۰۰۱ و هم پس از تنظیم آن، در رویه محاکم قضایی و داوری و همین‌طور در رویه دولتی وجود داشته‌اند و بر آن‌ها صحه‌گذارده شده است (ARSIIWA, 2001: pp. 40 & 41 paras. 6 & pp. 52 & 53, paras. 4 & 5)، به خوبی گویا و مؤید انتساب عمل مذکور به ایالات متحده آمریکا است. چه این که به موجب ماده (۴) مجموعه مواد ۲۰۰۱، رفتار هر ارگان دولتی به موجب حقوق بین‌الملل، عمل آن دولت قلمداد می‌شود و این صرف نظر از آن است که ارگان مربوطه، کارکرد تقنینی، قضائی، اجرایی یا کارکردی دیگر داشته باشد و اعم از آن است که ارگان یادشده در نظام‌های حقوق فدرال، عضوی از دولت مرکزی باشد یا عضوی از واحد دولت محلی قلمداد بشود. به موجب بند (۲) از ماده (۴) ارگان، شامل هر شخص حقیقی یا حقوقی است که به موجب حقوق داخلی آن کشور، کارکرد تقنینی، قضائی، اجرایی یا کارکردی دیگر داشته باشد.

طبق ذیل بند یک و همین‌طور بند (۲) ماده (۴) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی، رئیس





جمهوری کشور فدرال، ارگان کشور قلمداد می‌شود و از این رو، به موجب حقوق مسئولیت بین‌المللی بدان گونه که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ انعکاس یافته است، دونالد ترامپ، به تنهایی یک ارگان در کشور ایالات متحده آمریکا دانسته می‌شود و طبق صدر بند (۱) ماده (۴) مجموعه مواد یادشده، عمل وی به شخص حقوقی ایالات متحده آمریکا منتسب است (ARSIWA, 2001: 41, para. 9). چه این که، عمل هر ارگان با هر کارکردی که داشته باشد به شخص حقوقی کشور منتسب دانسته می‌شود. این به آن معنا است که عمل یک شخص حقیقی به جهت کارکرد و جایگاهی که به عنوان یک ارگان دارد، به شخص حقوقی کشور منتسب است و عمل آن فرد، اعم از آن که سلبی یا ایجابی باشد، عمل کشور قلمداد می‌شود.

همین طور، افزون بر ماده (۴)، می‌توان به ماده (۱۱) استناد کرد و آن، این که چنانچه رفتاری را کشور تأیید کند آن رفتار تأیید شده تا حدی که آن دولت آن رفتار را تأیید کرده است، به کشور منتسب دانسته می‌شود. البته با توجه به این که در انتساب رفتار به کشور آمریکا به موجب ماده (۴) تردیدی وجود ندارد، دیگر نوبت به ماده (۱۱) یعنی انتساب به جهت تأیید بعدی رفتار نمی‌رسد ولی به هر حال، از آن جا که دونالد ترامپ به صراحت و متأسفانه با افتخار آن را عملی مناسب می‌داند و تأیید می‌کند، حتی اگر در بادی به آن منتسب نمی‌شد به جهت تأیید بعدی منتسب به کشور آمریکا قلمداد می‌گشت. با این حال، چنانچه گذشت، وقایع به خوبی گویای آن است که اقدام مذکور از همان ابتدا منتسب به کشور آمریکا است.

بدین ترتیب، با توجه به این که دونالد ترامپ، رئیس جمهور کنونی ایالات متحده آمریکا، متأسفانه با افتخار، این کشور را مرتکب عمل مزبور اعلام کرده است، در انتساب این عمل به کشور آمریکا، به موجب ماده (۴)، تردیدی باقی نمی‌ماند (ARSIWA, 2001: Art. 4). از این رو به موجب ماده (۲) مجموعه مواد ۲۰۰۱ در راه احراز عمل متخلفانه بین‌المللی و بالمآل ایجاد مسئولیت بین‌المللی، نوبت به احراز نقض تعهد اولیه در وضعیت حاضر می‌رسد (ARSIWA, 2001: Art. 2).



۲-۱. نقض تعهد

اسرائیل و ایالات متحده آمریکا دو سرآمد و پیشتاز در عرصه استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در کشتار به وسیله پهپاد هستند. رژیم صهیونیستی بارها علیه اشخاص هدف در فلسطین دست به کشتار زده است. بیشتر ترورهای اسرائیل در آن قسمت از نوار غزه که تحت کنترل نیروهای مقاومت فلسطینی قرار دارد صورت گرفته است. تاکتیک گفته شده علیه گروه‌های مختلفی نظیر فتح، حماس و جهاد اسلامی صورت می‌گیرد که اسرائیل ادعا دارد که این گروه‌ها در صدد طرح و انجام عملیات علیه غیرنظامیان اسرائیلی هستند. بر اساس مطالعه‌ای که شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد کرده، گزارش شده است که اقدام به این تاکتیک، بین سال‌های ۲۰۰۲ تا می ۲۰۰۸، حداقل به کشته شدن ۳۸۷ فلسطینی انجامیده است (UNHRC, 2010: para. 14). آمریکا نیز پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از این اقدام در افغانستان، عراق و پاکستان استفاده کرده است. شواهد، نشان از آن دارد که ایالات متحده آمریکا، پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به طور آزمایشی در نوادا از هواپیمای بدون سرنشین خود برای کشتار استفاده کرده است. اولین گزارش از کشتن به وسیله پهپاد توسط سازمان سیا به ۳ نوامبر ۲۰۰۲ بازمی‌گردد که یک هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی در یمن، شش نفر، که سینان الهارتی، رهبر القاعده هم در میان آنان بود، را هدف شلیک موشک قرار داد.^۷

پس از سال ۲۰۰۱، آمریکا از پرنده‌های جنگنده خود در ۳ نوامبر ۲۰۰۲ با همکاری یمن علیه علی سنیان الحریثی، عضو ارشد القاعده در این کشور استفاده کرد. همکاری آمریکا و یمن در این عملیات به موفقیت برای آن‌ها انجامید و با به کارگیری هواپیمای بدون سرنشین موفق به کشتن الحریثی شدند. این عملیات از آن جهت حایز اهمیت می‌نماید که همچون سردار سلیمانی، پیش از این، هر دو طرف آمریکایی و یمنی تلاش‌های



1 <https://www.theguardian.com/world/2015/nov/18/life-as-a-drone-pilot-creech-air-force-base-nevada> (available at: 19.11.2015)

2 <https://www.nytimes.com/2020/01/31/world/middleeast/qaeda-yemen-alrimi.html> (Available at: 31.01.2020)



زیادی برای دستگیری الحریثی کرده بودند که همه آنها به بن بست رسیده بود (علاقه‌بند حسینی و یزدان‌نجات، ۱۳۹۲: ۲۱۰).

در این باره با توجه به این که تروریسم تعاریف متعدد و مختلفی دارد و هنوز تعریفی واحد در مورد آن ارائه نشده است (High Commissioner for Human Rights, 2008: 5-7)، مقتضی است نخست به این ادعای طرف آمریکایی که شهید سلیمانی را تروریست دانسته است پرداخته شود. چه این که، در اینجا، محل اختلاف یک مرحله پیش از حق حیات است. لیک، در نبود تعریفی واحد و پذیرفته در مورد تروریست در میان کشورهای دنیا، بدون تردید هیچ کشوری نمی‌تواند بدون اثبات و احراز تروریستی بودن اقدام یا تروریست بودن یک فرد یا گروه، شخص یا اشخاصی را تروریست معرفی کند. این از واضحات و مبرهنات حقوق بین‌الملل است که اقتضای حق و عدالت نیز دانسته می‌شود. با توجه به این که هیچ گاه اقدام شهید سلیمانی به عنوان یک عمل تروریستی از سوی هیچ مرجع ذی صلاح بین‌المللی احراز نشده است، داعیه آمریکا محلی از اعراب ندارد. چه این که، چنانچه هر کشوری با امیال و اغراض خود و با ملاک‌های خود، هر شخصی را تروریستی بداند و بتواند مبادرت به اقدام خصمانه علیه آن نماید دیگر حق حیات به عنوان یک اصل بنیادین در نسل اول حقوق بشر عملاً محملی در حقوق بین‌الملل نخواهد یافت که تعریفی واحد در مورد آن وجود نداشته باشد. هر انسانی از حق حیات برخوردار است و این حق، در زمره حقوق بنیادینی^۱ دانسته می‌شود که اعطا شدنی نیست بلکه هر انسانی، بما هو انسان، از آن برخوردار و متمتع است و به موجب ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کشورها تنها موظف به حمایت از آن هستند و در این راه، نباید خودسرانه^۲ جلو آن را بگیرند یا آن را از انسان‌ها سلب کنند (International Covenant on Civil and Political Rights, 1966: Art. 6). پیش‌تر، این امر به صراحت در ماده (۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آمده (Universal Declaration of Human Rights, 1948: Art. 3) و ریشه در حقوق بین‌الملل عرفی هم دارد (Hannum, 1996: 320) منظور از خودسرانه، این



1 Fundamental Rights

2 Arbitrarily



است که به هیچ وجه نمی‌شود بدون طی فرایند رسیدگی قضایی عادلانه حق حیات را از کسی سلب کرد (Human Rights Committee, 2018: paras. 2 & 7). در این باره با توجه به این که منع سلب خودسرانه حق حیات، حقی است که مضاف بر منشور بین‌المللی حقوق در قواعد حقوق بین‌الملل عرفی نیز وجود دارد (Hannum, 1996: 317-335)، بدون شک، آمریکا متعهد به رعایت این حق است و سلب این حق از ده نفر، طی حمله ناجوانمردانه به شهید قاسم سلیمانی و ۹ نفر از همراهان ایشان، نقض تعهد کشور آمریکا دانسته می‌شود. لذا هر دو عنصر تخلف بین‌المللی محقق شده است و به موجب ماده (۱) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، کشور ایالات متحده آمریکا به عنوان کشوری که مستقیماً (بالمباشره) مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده است، به لحاظ حقوق بین‌الملل، مسئول دانسته می‌شود (ARSIWA, 2001: Art. 1).

پس از استدلال راجع به تحقق (ایجاد) مسئولیت بین‌المللی کشور آمریکا، مقتضی است به محتوی یا به تعبیری، پیامدهای این مسئولیت بین‌المللی پرداخته شود.

۲. محتوای مسئولیت بین‌المللی^۱

به لحاظ حقوقی، ایجاد مسئولیت، منفک از پیامد و محتوای مسئولیت است (Crawford, 2013: 460). مسئولیت بین‌المللی، پیامدهای مختلفی می‌تواند داشته باشد و پرداختن به تمام پیامدها نه در موضوع جستار حاضر است نه در این نوشتار می‌گنجد؛ در این قسمت، به اقتضای رسالتی که در سازمان بندی پژوهش برای آن ترسیم شده است، به محتوای مسئولیت ایالات متحده آمریکا به موجب حقوق بین‌الملل پرداخته می‌شود.



۱ واژه «محتوای مسئولیت بین‌المللی»، برگردان فارسی «Content of the International Responsibility» است که در صدد است تا به محتوی یا به تعبیری پیامدها و آثار مسئولیتی که قبلاً ایجاد شده است بپردازد. شاید کاربری واژگانی نظیر «پیامدها» یا «آثار» جهت افاده مقصود مناسب‌تر به نظر آیند اما از آن جا که پیش‌تر در آثار متعددی از عبارت محتوای مسئولیت بین‌المللی استفاده شده است و ترجمه دقیق‌تری از واژه «Content» است در این جستار نیز واژه «محتوی» برگزیده شده است.



۲-۱. تضمین عدم تکرار

تضمین عدم تکرار به آن معنا است که کشوری که به موجب حقوق بین الملل مسئولیت دارد، به اقتضای قضیه مطروح، می بایست تضمینات لازم بدهد که آن عمل متخلفانه بین المللی را دیگر تکرار نخواهد کرد (Crawford, 2013: 469). به این جهت، بعضی اوقات از تضمین به عدم تکرار، به تأمین نیز یاد شده است (زهرایی، ۱۳۸۳: ۲۱۵). در حقوق مسئولیت بین المللی، معمولاً سخن از توقف عمل متخلفانه و تضمین عدم تکرار می آید (ARSIWA, 2001: Art 30)؛ منتها توقف در زمانی مطرح می شود که عمل متخلفانه بین المللی مربوطه مستمر باشد؛ این به آن معنا است که آن عمل متخلفانه بین المللی در بازه زمانی استمرار یافته باشد؛ گروگان گیری، مصداق بارز عمل متخلفانه مستمر است؛ چرا که تحقق آن مستلزم استمرار در یک بازه زمانی هرچند کوتاه است (Kolb, 2017: 150 - 151). از این رو چنانچه عملی چند بار تکرار شود را نباید به منزله استمرار عمل متخلفانه بین المللی دانست. درست است که ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، بارها به انحاء مختلف دست به چنین اقداماتی زده اند اما این موجب نمی شود که عمل متخلفانه مطروحه، وصف مستمر بیابد بلکه باید گفت که عمل متخلفانه مربوطه، تکرار شده است اما حضور غیرقانونی آنان در منطقه خاورمیانه و به ویژه عراق، مصداق بارز عمل متخلفانه مستمر است که مقتضی است متوقف شود؛ اما عمل متخلفانه بین المللی در مورد اقدام اخیر ایالات متحده آمریکا در شهادت سردار سلیمانی و چند تن از همراهان ایشان، به نحوی نیست که بشود سخن از توقف عمل متخلفانه به میان آورد بلکه ارائه تضمین به عدم تکرار بایسته است. تضمین عدم تکرار به صراحت در رویه محاکم بین المللی از جمله و به ویژه دیوان بین المللی دادگستری، از جمله در قضیه موسوم به تنگه کورفو، وجود دارد (ICJ, 1949: 4 & 35).

پیشینه فعالیت های آمریکا گویای آن است که این کشور بارها و بارها در اقصی نقاط دنیا به ویژه در منطقه خاورمیانه، اقدام به کشتار، اعم از گسترده و هدفمند، خواه از طریق پهپاد یا از طریق دیگر نموده است. کشتار مردم یمن، عراق، افغانستان و پاکستان تنها نمونه هایی از آن به شمار می روند (لسانی و منفرد، ۱۳۹۶: ۲۴۶) (Kramer, 2011: 378). در این





بار، آمریکا نخست باید تضمین بدهد که دیگر عمل متخلفانه بین‌المللی مزبور که مسبوق به سابقه است را تکرار نخواهد کرد. چه این که، آمریکا، هواپیماهای بدون سرنشین خود را در نقاط متعددی از جهان مانند افغانستان، پاکستان، یمن، لیبی و سومالی به کار گرفته است. به طور مثال، گفتنی است که این کشور در بازه چهار ساله (۲۰۰۴-۲۰۰۸) با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، اقدام به ۴۲ عملیات در نقاط مختلف جهان نمود (Pugliese, 2011: 932). تضمین عدم تکرار به منظور آن است که متخلف را از انجام چنین تخلفی در آینده بازدارد و از این رو، در تضمین عدم تکرار، این کارکرد بازدارندگی است که بسیار حائز اهمیت است (زهرایی، ۱۳۸۳: ۲۱۵). لذا، در نحوه تضمین نیز، باید توجه شود که تضمین باید به نحوه و شکلی باشد که واقعاً کارکرد بازدارندگی داشته باشد؛ چه در غیر این صورت، تضمین به عدم تکرار از رسالت اصلی خود دور خواهد شد و در عمل ابتر خواهد ماند.

دیوان بین‌المللی دادگستری طی قضیه موسوم به لاگران، که در آن کشور آمریکا به عنوان کشور متخلف بین‌المللی، طرف دعوی بوده است، به تضمین عدم تکرار پرداخته است (ICJ, 2001: paras. 12 & 48). طی این قضیه، آلمان علیه ایالات متحده آمریکا اقامه دعوی کرده و مطرح نموده بود که آمریکا با نقض کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در زمینه روابط کنسولی مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده است و باید تضمین دهد که دیگر مرتکب چنین تخلفی نخواهد شد. دیوان بین‌المللی دادگستری ضمن تأیید مدعای آلمان، در مورد چگونگی این تضمین، تصریح داشت که نحوه و شکل تضمین کاملاً به فراخور هر وضعیت است و به اقتضای قضیه مطروحه متفاوت است.

با این که در مورد چگونگی نوع و شکل تضمین، رویه واحد بین‌المللی وجود ندارد (زهرایی، ۱۳۸۳: ۲۲۰) و بنا به اختیار کشور متخلف است، اما باید به گونه‌ای صورت بگیرد که متقاعدکننده باشد (ICJ, 2001, para. 12). در این راه، به فراخور نقض ارتكابی، تضمین باید به زیان‌دیده یا زیان‌دیدگان داده شود؛ در وضعیت حاضر جمهوری اسلامی ایران به عنوان زیان‌دیده که کشور آمریکا تعهد خود را نقض کرده است استحقاق آن را دارد که آمریکا تضمین مناسب به عدم تکرار بدهد؛ چه این که اساساً زیان‌دیده بودن به آن





گونه که در حقوق مسئولیت بین‌المللی مطرح نظر قرار گرفته به این معنا است که تعهدی علیه آن کشور نقض شده باشد و در این وضعیت، کشوری که تعهد را نقض کرده متخلف و کشوری که تعهد در قبال آن نقض شده است زیان‌دیده قلمداد می‌شود. در قضیه داوری موسوم به تریل اسملتر^۱ که اتفاقاً در آن هم آمریکا طرف دعوی بوده است، به بحث تضمین عدم تکرار پرداخته شده و طی آن، دولت زیان‌دیده، انجام اقدامات خاصی را درخواست کرد تا از این رهگذر، حقوق آن در آینده محترم شمرده شود و دیگر با عمل متخلفانه بین‌المللی مشابه، پایمال نگردد (UNRIAA, 1938, 1941: 1905). با توجه به وضعیت حاضر در مورد مسئولیت کشور آمریکا به عنوان مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی در شهادت سردار سلیمانی و ۹ نفر از همراهان ایشان، اظهارات مقامات رسمی و مردم کشورهای جمهوری اسلامی ایران و عراق و همین‌طور مصوبه پارلمان این کشور،^۲ به عنوان دو کشوری که در این قضیه بیش از دیگران متأثر شده‌اند، خروج کامل نیروهای آمریکایی از منطقه و به ویژه عراق است که می‌تواند تضمینی متقاعدکننده در مورد عدم تکرار عمل متخلفانه بین‌المللی مشابه از سوی کشور آمریکا در آینده، قلمداد بشود. چه این که، تضمین عدم تکرار به آن گونه که به عنوان یکی از پیامدهای حقوق مسئولیت بین‌المللی مطرح است، باید واقعی، عینی و غیرصورى باشد؛ در مورد خروج نیروهای آمریکایی از عراق، چون عراق به هیچ وجه رضایت به حضور نیروهای آمریکایی در سرزمین کشور خود ندارد، حضور نیروهای این کشور در سرزمین عراق، در مغایرت با اصل تمامیت سرزمینی دانسته می‌شود و از این رو، خروج نیروهای آمریکایی از عراق، به لحاظ حقوق بین‌الملل بایسته است. در مورد خروج نیروهای کشور متخلف از دیگر کشورهای منطقه، نمی‌توان آن را وادار به انجام عملی خاص کرد تا ناگزیر از اقدامی باشد

1 Trail Smelter

۲ جهت ملاحظه مصوبه پارلمان عراق به پایگاه اینترنتی مجلس عراق به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

(Available at: 05.01.2020). Ar.parliament.iq/2020/01/05/ عراق در جلسه مجلس نمایندگان این کشور در نشانی زیر قابل دسترسی است. <https://plink.ir/x04w4> (Available at: 05.01.2020).





که مدّ نظر ندارد. کشور متخلف، موظف است تضمین به عدم تکرار بدهد ولی موظف به انجام عملی خاص نیست؛ لیکن، این حق کشور متخلف به انتخاب چگونگی ارائه تضمین به عدم تکرار نباید موجب سر باز زدن کشور متخلف از تعهد خود به ارائه تضمین بشود. در این باره، کشور یا کشورهای زیان دیده می‌توانند راه یا راه‌هایی را پیشنهاد کنند ولی طریق پیشنهادی، به لحاظ حقوق بین‌الملل، الزام‌آور نیست. به لحاظ حقوقی بین‌المللی، در مورد شهادت سردار سلیمانی، آمریکا با خروج کامل نیروهای خود از منطقه می‌تواند بهترین تضمین را ارائه بدهد.

۲-۲. جبران خسارت

کمیسیون حقوق بین‌الملل در مجموعه مواد ۲۰۰۱ راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی، جبران خسارت را ذیل محتوای مسئولیت آورده و مقرر داشته است که جبران خسارت کامل در برابر زیان ایجاد شده توسط عمل متخلفانه به شکل اعاده وضع به حال سابق،^۳ اغرامت^۴ و جلب رضایت^۵ است که منفرداً یا مجتمعاً می‌تواند صورت گیرد (ARSIWA, 2001: Art. 34). آنچه که از ماده (۳۴) طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل برمی‌آید این است که آشکال جبران خسارت، اعم از معنوی و مادی است.^۶ از این رو در وضعیت حاضر که آمریکا مسئول عملیات پهبادی در شهادت سردار سلیمانی و چند تن از همراهان ایشان است، مقتضی است که به موجب حقوق مسئولیت بین‌المللی، خسارات معنوی نیز لحاظ گردد. با توجه به ماده (۳۴) مجموعه مواد ۲۰۰۱، جبران خسارت باید به صورت کامل صورت پذیرد، مقتضی است که تمام خسارات مادی و معنوی در جبران لحاظ شود (ARSIWA, 2001: Art. 34). در این باره، متأسفانه خسارات معنوی برخاسته از شهادت ایشان، به طور کامل، به هیچ وجه قابل جبران نیست



1 Restitution

2 Compensation

3 Satisfaction

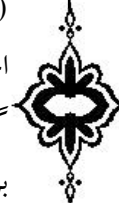
۴ این امر عیناً در مورد حقوق مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی نیز تکرار شده است (ARIO, 2011: Art.

34). جهت ملاحظه برگردان فارسی این ماده بنگرید به عابدینی و روزگاری، ۱۳۹۳: ۲۰۷.



ولی باید به موجب ماده (۳۴) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، تا آن جا که ممکن است صورت بپذیرد.

جبران خسارت، به عنوان محتوای اصلی مسئولیت بین‌المللی، به اشکال مختلفی می‌تواند محقق بشود و البته میان این اشکال، ترتیب و ترتب وجود دارد. این به آن معنا است که میان آنان اولویت وجود دارد؛ البته وجود اولویت میان انحاء جبران خسارت، مانع از آن نیست که نشود چند شکل جبران خسارت، توأمان صورت بپذیرد؛ چه این که، برخی اعمال متخلفانه، چندبُعدی هستند و خسارات چندوجهی برخاسته از آنان اقتضا دارد که جبران خسارت کامل از رهگذر چند شکل جبران خسارت محقق شود. در جبران خسارت، نخست مقتضی است تلاش شود تا وضع سابق اعاده گردد (Crawford, 2013: 459). بدون تردید، اعاده وضع به حال سابق، بهترین شکل از جبران خسارت است اما اقتضائات جامعه این است که همیشه اعاده وضع به حال سابق میسر نیست و اساساً به جهت این که همیشه و در همه حال، اعاده وضع به حال سابق میسر و منطقی نیست، اشکال دیگر مطرح شده است (امیری، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۳). در مورد شهادت سردار سلیمانی و ۹ نفر از همراهان ایشان طی حمله پهبادی آمریکا، اعاده وضع یعنی بازگرداندن حیات اشخاص، متأسفانه ممکن نیست و بایسته است که به سراغ دیگر انحاء جبران خسارت رفت. با توجه به این که اعاده وضع به حال سابق، همیشه و در همه حال، از جمله در مورد شهادت سردار سلیمانی، ممکن و منطقی نیست، غرامت به عنوان شکل دیگر و البته رایج‌ترین نحو جبران خسارت باید مطمئن نظر قرار گیرد (امیری، ۱۳۸۷: ۸۳). در این باره، آمریکا به عنوان کشور مسئول عمل متخلفانه ملزم است در برابر زیانی که توسط عملش ایجاد شده، در صورتی که خسارات با اعاده وضع به حال سابق جبران نشود، غرامت بپردازد (ARSIWA, 2001: Art. 36(1)). این بدان معنا است که اعاده وضع به حال سابق، اولین راه حل است و اگر اعاده ممکن یا منطقی نبود، می‌توان به سراغ راه یا راه‌های دیگر رفت. از این رو است که گفته شده است که میان اشکال جبران خسارت، سلسله مراتب رجحانی وجود دارد و یکی بر دیگر برتر دانسته شده است. به موجب آن چه که در مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل آمده و البته برگرفته از رویه جامعه بین‌المللی است، غرامت ناظر بر زیان‌های





مادی است و صرف نظر از خسارات معنوی به شمار می‌رود. با این حال، این نباید به منزله آن قلمداد گردد که طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در مقام تنظیم (تدوین و توسعه تدریجی) نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، از خسارات معنوی چشم پوشیده است و نباید این را به آن معنا انگاشت که در وضعیت حاضر، خسارات معنوی شهادت سردار سلیمانی و همراهان ایشان را نتوان مطالبه کرد. البته که تمام خسارات معنوی به هیچ وجه قابل مطالبه نیست چرا که اساساً این خسارات در امور دنیوی قابل مطالبه نیستند. منتها تا آن جا که می‌شود می‌توان این دسته از خسارات را مطالبه کرد و عذرخواهی رسمی آمریکا در عداد آن قرار می‌گیرد. به موجب مجموعه ماده (۳۷) مجموعه مواد یاد شده، آمریکا به عنوان دولت مسئول عمل متخلفانه بین‌المللی ملزم است در برابر زیان ایجاد شده از عملش که با اعاده وضع به حال سابق یا غرامت جبران نگردد، رضایت دولت زیان دیده را جلب کند (ARSIIWA, 2001: Art. 37(1)). جلب رضایت، خود می‌تواند به هر نحوی اتفاق افتد؛ آن چه که در این مورد اهمیت دارد آن است که رضایت زیان دیده (گان)، به هر نحوی از انحاء، حاصل آید. این جلب رضایت می‌تواند شامل پذیرش نقض،^{۱۷} بیان تأسف،^{۱۸} عذرخواهی رسمی^{۱۹} یا هر روش مناسب دیگر،^{۲۰} منفرداً یا مجتمعاً، باشد. لیک، این امر نباید به تحقیر دولت مسئول بیانجامد و حتماً شرط تناسب باید در آن رعایت گردد.

بدین ترتیب، در قضیه حاضر راجع به شهادت سردار سلیمانی می‌توان هر دو شکل جبران را از آمریکای متخلف مطالبه کرد و آمریکا را وادار به عذرخواهی رسمی نمود. چه این که، مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تصریح داشته است که جلب رضایت می‌تواند به انحاء گوناگونی صورت بگیرد و باید به صورتی محقق شود که رضایت زیان دیده جلب گردد و عذرخواهی رسمی از جمله این انحاء است (ARSIIWA, 2001: 106).





۳. استناد به مسئولیت

استناد به مسئولیت، عملی است نسبتاً رسمی^{۲۱} که حتماً نیازی نیست از طریق مراجع حقوقی بین‌المللی، اعم از قضایی یا داوری، صورت بگیرد بلکه می‌تواند از رهگذر سازکارهای دیپلماتیک محقق شود (Vermer-Kunzil, 2014: 257). در مورد محاکم باید گفت که نخست مقتضی است آن دادگاه صلاحیت رسیدگی داشته باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری که رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد است صلاحیت رسیدگی به اختلافات میان کشورها را دارد اما صرف عضویت در آن کفایت نمی‌کند، بلکه کشورها باید به نحوی صلاحیت آن را پذیرفته باشند یا بپذیرند. در این باره، چون صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای این موضوع، از سوی طرفین اختلاف، پذیرفته نشده است اقامه دعوی در دیوان یادشده عملاً منتفی می‌شود مگر این که جمهوری اسلامی ایران اقامه دعوی کند و بعداً آمریکا صراحتاً یا ضمناً صلاحیت دیوان را بپذیرد که این پذیرش از سوی آمریکا بسیار بعید به نظر می‌رسد. در قضیه‌هایی که اخیراً جمهوری اسلامی علیه ایالات متحد آمریکا، نزد دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوی کرده است، به معاهده مودت استناد شده است؛ چنانچه معاهده مودت همچنان معتبر بود شاید بهترین مبنای ممکن دانسته می‌شد، لیک چه سود که آمریکا بیش از یک سال قبل، آن را فسخ کرد و دیگر وجود ندارد؛ از این رو معاهده پیش‌گفته راجع به این امر مصداق نمی‌یابد. دیوان داوری دعاوی ایران-آمریکا نیز نه به لحاظ زمانی و نه به لحاظ موضوعی صلاحیت رسیدگی این دعوی را ندارد. البته داوری مستقلی برای رسیدگی به این قضیه، قابل تأسیس است، اما احتمال موافقت آمریکا با چنین راه حلی منتفی است.

لذا در فقد محکمه ذی صلاح، مقتضی است از راه دیپلماتیک از جمله سازمان ملل متحد، اقدام کرد. با توجه به این که آمریکا عضو دائم شورای امنیت این سازمان و دارای حق وتو است، طرح این موضوع در شورای امنیت نتیجه مطلوبی در بر نخواهد داشت. در





این راه، می‌توان از ظرفیت گروه کشورهای ۷۷ و کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بهره جست و از این طریق اقدام کرد. این اقدام به موجب حقوق مسئولیت بین‌المللی، استناد به عمل متخلفانه بین‌المللی دانسته می‌شود. از این رو نباید این گونه انگاشت که استناد به مسئولیت تنها از رهگذر مراجع قضایی یا داوری بین‌المللی باید صورت بگیرد و حال که هیچ یک از محاکم، صلاحیت رسیدگی ندارند استناد به مسئولیت بین‌المللی منتفی می‌شود؛ به هیچ وجه این گونه نیست. رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در رسیدگی به اختلاف نائورو علیه استرالیا طی قضیه برخی اراضی فسفات در نائورو متضمن آن است که اطلاع دولت خوانده از ادعای دولت خواهان هر چند از طریق گزارش‌های مطبوعاتی، سخنرانی‌ها و نشست‌ها صورت گرفته باشد، خود به منزله استناد دانسته می‌شود (ICJ, 1992: Paras. 33 and 34) (Satkauskas, 2003: 91 & 92). در این باره، مقام معظم رهبری و تمامی مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران، از جمله سران سه قوه قضاییه، مجریه و مقننه، رسماً اظهار تأسف کرده و ایالات متحد آمریکا را مسئول دانسته‌اند. نیز، جمهوری اسلامی ایران از رهگذر نماینده دائم خود در سازمان ملل متحد، نامه‌ای رسمی خطاب به رئیس شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل متحد نوشت و در آن، شهادت سردار سلیمانی و ۹ تن از همراهان ایشان را جنایت خواند.^۳ طی این نامه، رسماً و صریحاً اعلام شده است که جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را مسئول این اقدام می‌داند.^۴ این اقدام جمهوری اسلامی ایران، بدون تردید، به منزله استناد به مسئولیت بین‌المللی کشور آمریکا به آن گونه که در ماده (۴۲) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی آمده است، دانسته می‌شود (ARSIWA, 2001: Art. 42).

همین طور، نماینده عراق در سازمان ملل متحد، طی دو نامه خطاب به شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل متحد، رسماً و صریحاً اعلام داشت که حمله هوایی آمریکا در



1 <https://www.yjc.ir/00UC2K> (Available at: 04.01.2020)

2 <https://en.irna.ir/news/83619559/Envoy-terms-IRGC-commander-s-terror-as-terrorist-criminal-act> (Available at 4.01.2020)



سرزمین بغداد، که آمریکا آن را منتسب به خود دانسته است، قتل خودسرانه و بدون مجوز قانونی بوده است و از این رو خواستار آن شد تا آن سازمان، عمل متخلفانه بین‌المللی علیه سردار سلیمانی، ابومهدی المهندس و همراهانشان را محکوم نماید. افزون بر این، عراق ورود بدون مجوز قانونی پهپاد از سوی آمریکا به محدوده سرزمینی کشور خود را نقض بند (۷) ماده (۲) منشور سازمان ملل متحد که ریشه در حقوق بین‌الملل عرفی دارد دانست و تصریح داشت که حمله پیش‌گفته، نقض حاکمیت عراق قلمداد می‌شود. لذا دولت عراق نیز به عنوان دولت زیان‌دیده مبادرت به استناد به مسئولیت کرده است و دیگر نمی‌توان عدم استناد را به منزله اعراض انگاشت. شاید این مقوله مطرح بشود که اقدام موشکی جمهوری اسلامی ایران علیه پایگاه نظامی آمریکا موسوم به عین‌الاسد در عراق، مانع از استناد جمهوری اسلامی ایران به مسئولیت و بالمآل، آثار و پیامدهای مسئولیت است؛ ولی در این باره باید گفت که اساساً این اقدام خود به عنوان عملی مستوفی قابل بررسی است و این به آن معنا است که حتی اگر آمریکا بابت این اقدام موشکی جمهوری اسلامی ایران، مبادرت به اقامه دعوی یا دعوای متقابل نماید، از سوی مرجع ذی‌صلاح مربوطه بررسی می‌شود و به هیچ وجه، مانع از استناد جمهوری اسلامی ایران به مسئولیت بین‌المللی آمریکا و پیامدهای آن نیست. این به امر به صراحت از مواد (۴۲) و (۴۸) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد قابل استنباط است.

در این باره، قابل ذکر است که به موجب نظام حقوق مسئولیت بین‌المللی، این امر متصور است که «دولتی غیر از دولت زیان‌دیده»^۲ به مسئولیت بین‌المللی استناد کند (مجبی و بذار، ۱۳۹۷: ۲۱۱). به موجب ماده (۴۸) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، دولتی غیر از دولت زیان‌دیده هم از صلاحیت استناد به مسئولیت بین‌المللی برخوردار است و لزومی ندارد که این دولت‌ها به صورت جمعی اقدام نمایند (ARSIWA, 2001: 126, para. 4). طبق بند (۱) ماده (۴۸) از مجموعه مواد یادشده، چنانچه تعهد نقض شده در قبال گروهی از دولت‌ها از جمله آن دولت باشد یا



1 <https://www.yjc.ir/00UCz1> (Available at: 07.01.2020)

2 State Other than an Injured State



تعهد نقض شده، در قبال جامعه بین المللی در کل دانسته بشود، دولت غیرزیان دیده نیز می- تواند به مسئولیت بین المللی استناد کند ((ARSIIWA, 2001: Art. 48(1)). از این رو، در وضعیت حاضر، محکوم کردن اقدام آمریکا از سوی کشورهای دیگر از جمله فرانسه، چین و روسیه^۱ و همین طور عملکرد کشورهای چین و روسیه به عنوان اعضاء دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد در مخالفت با اقدام آمریکا، را می توان به موجب ماده (۴۸) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل، به منزله استناد به مسئولیت بین المللی قلمداد کرد (Panda, 2020: 1) (ARSIIWA, 2001: 126, paras. 5 & 6). البته این به آن معنا نیست که صرف مخالفت به منزله استناد به مسئولیت باشد ولی اعتراض و مخالفت رسمی قطعاً به معنای استناد به مسئولیت دانسته می شود. کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد در تبیین مفهوم استناد در شرح و تفسیر ماده (۴۲) به صراحت بیان داشته است که استناد، یک اقدام نسبتاً رسمی^۲ است و نیازی نیست که حتماً در یک مرجع قضایی یا داوری صورت گرفته باشد (ARSIIWA, 2001: 117, Para. 2). لذا با توجه به این که اقدام جمهوری اسلامی ایران در مخالفت با عمل آمریکا کاملاً رسمی بوده است، قطعاً به منزله استناد قلمداد می شود.

بدین ترتیب، استناد به مسئولیت بین المللی در مورد شهادت سردار و ۹ تن از همراهان ایشان، مضاف بر این که از سوی کشورهای جمهوری اسلامی ایران و عراق به عنوان دول زیان دیده صورت گرفته است، از سوی دول غیرزیان دیده نیز محقق شده است و دیگر هیچ مجالی برای ادعای احتمالی اعراض از حق استناد به جهت گذر از زمان باقی نمانده است. به طور کلی، تأخیر در استناد به منزله سقوط آن نیست (ICJ, 2001: paras. 53-57)؛ مگر در شرایطی که اوضاع و احوال چنین اقتضا دارد و در مورد شهادت سردار سلیمانی چون استناد از طریق اعتراض رسمی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است، به هیچ وجه اعراض و اسقاط حق محلی از صحت نمی یابد. اصل جاری و ساری می شود و



1 <https://www.timesofisrael.com/france-russia-and-china-condemn-slaying-of-soleimani-as-a-destabilizing-act/> (Available at: 10.01.2020)

2 Relatively Formal



به هیچ وجه بحث از دست دادن حق استناد به مسئولیت،^۱ محلی از اعراب نمی‌یابد. چه این که، به موجب ماده (۴۵) مجموعه مواد ۲۰۰۱، تنها در دو وضعیت است که حق استناد به مسئولیت زوال می‌یابد (ARSIWA, 2001: 121, para. 1)؛ وضعیتی که در آن، دولت زیان‌دیده به صراحت و به گونه‌ای معتبر از ادعایش اعراض کند (ARSIWA, 2001: 121, para. 2)؛ و دیگری وضعیتی که طی آن، دولت زیان‌دیده به طور ضمنی و به گونه‌ای معتبر به اسقاط ادعا تن دهد (ARSIWA, 2001: 121, para. 3). در وضعیت شهادت سردار سلیمانی، هیچ یک از دو وضعیت مربوطه صدق نمی‌یابد و حتی در مقام تردید، اصل را باید جاری دانست و آن، عدم اعراض است (سبحانی، ۱۳۹۵: ۱۴۰). بدین ترتیب، در نبود صلاحیت برای محاکم بین‌المللی و ملی برای رسیدگی به قضیه حاضر، به هیچ وجه نمی‌شود و نباید آن را به منزله اعراض یا اسقاط دعوی قلمداد کرد.

نتیجه‌گیری

حمله هوایی از طریق پهپاد و شهادت ۱۰ نفر از جمله سردار سلیمانی، فرمانده محبوب و عالی رتبه در جمهوری اسلامی ایران و موفق در نبرد با دولت خودخوانده اسلامی عراق و شام (داعش)، مردم اقصی نقاط دنیا، با بینش‌ها و ادیان مختلف را متأثر ساخته است. در این باره، رئیس جمهور کنونی ایالات متحده آمریکا به صراحت اعلام داشت که این حمله، تحت دستور مستقیم او صورت گرفته است؛ از این رو به موجب ماده (۴) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، تردیدی در انتساب آن عمل به کشور آمریکا باقی نمی‌ماند. در این باره، با توجه به این که عمل مزبور به موجب نظام بین‌الملل حقوق بشر، نقض حق حیات است، عمل آمریکا، در مغایرت با ماده (۶) میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده (۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر است که مضاف بر آن که یک تعهد معاهده‌ای است، جامه حقوق بین‌الملل عرفی نیز به تن دارد. لذا تردیدی در نقض تعهد بین‌المللی کشور آمریکا، در زمینه حقوق بشر باقی نمی‌ماند. بدین ترتیب، کشور آمریکا طبق حقوق بین‌الملل،





مرتکب عمل متخلفانه شده است و به موجب حقوق بین الملل عرفی که در ماده (۱) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل در زمینه مسئولیت بین المللی دولت‌ها انعکاس یافته است، به محض آن که کشور مرتکب عمل متخلفانه بین المللی شود، مسئولیت بین المللی دارد. از این رو، کشور آمریکا بدون تردید به موجب حقوق بین الملل، مسئول حمله پهبادی در عراق است که به شهادت سردار سلیمانی و ۹ تن از همراهان ایشان انجامیده است.

با احرارز تحقق (ایجاد) مسئولیت بین المللی کشور آمریکا، نوبت به پیامدهای این مسئولیت بین المللی می‌رسد. نخست، بایسته است که آمریکا به عنوان کشور مرتکب عمل متخلفانه بین المللی، به گونه‌ای معتبر و متقاعدکننده، تضمین دهد که دیگر مرتکب چنین عمل متخلفانه‌ای نخواهد شد. این امر، چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ عملیاتی، متوقف بر احرارز تحقق (ایجاد) مسئولیت بین المللی است و مادامی که آن احرارز نشده باشد سخن گفتن از ارائه تضمین به توقف و عدم تکرار، محملی نخواهد داشت. چه این که اکنون که تحقق این عمل متخلفانه بین المللی و بالمآل، مسئولیت بین المللی کشور آمریکا، از سوی مرجع ذی صلاح احرارز نشده است، این کشور مدعی آن است که اقدام مطروحه متخلفانه نیست چه رسد به این که تضمین به عدم تکرار بدهد. پیشینه اقدامات آمریکا در منطقه از جمله در یمن و پاکستان، مؤید آن است که آمریکا در کشتار هوایی و مخصوصاً از طریق پهباد، ید طولایی دارد که خود، مؤید بایستگی ارائه تضمین به عدم تکرار از سوی این کشور است. افزون بر ارائه تضمین مناسب به عدم تکرار، پیامد دیگر مسئولیت، بحث جبران خسارت است. به موجب ماده (۳۴) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل و شرح و تفسیر آن، سه شکل اعاده وضع به حال سابق، غرامت و جلب رضایت برای جبران خسارت متصور است. با توجه به این که در وضعیت حاضر، اعاده وضع به حال سابق، مستلزم بازگرداندن حیات اشخاص است و چنین امری ممکن نیست، عملاً و منطقاً اعاده وضع به حال سابق ممکن نیست. در این باره، از آن جا که خسارت وارد شده مضاف بر جنبه مادی، بیشتر بُعد معنوی دارد، مقتضی است ایالات متحده آمریکا به عنوان کشور متخلف، هم غرامت بپردازد و هم به نحوی معتبر مبادرت به جلب رضایت نماید. تضمین





عدم تکرار و جلب رضایت بدان گونه که کشورهای جمهوری اسلامی ایران و عراق به عنوان کشورهایی که مستقیماً از این عمل متخلفانه کشور آمریکا، زیان دیده‌اند، به درستی مطرح کرده‌اند، با خروج کامل نیروهای آمریکا از منطقه محقق می‌شود. در عمل نیز، جلب رضایت به عنوان یکی از انحاء جبران خسارت و تضمین به عدم تکرار، در عمل بسیار به یکدیگر نزدیک می‌شوند و چه بسا اقدامی واحد، توأمان جلب رضایت به عنوان یکی از اشکال جبران خسارت و تضمین به عدم تکرار دانسته بشود.

اقدامات سران جمهوری اسلامی ایران در پهنه بین‌المللی، از جمله و به ویژه نامه رسمی نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد به تبعیت از فرمان مقام معظم رهبری، و همین طور نامه رسمی نماینده عراق در سازمان ملل متحد خطاب به رئیس شورای امنیت و دبیرکل آن سازمان، اقدامی رسمی است که در مخالفت به عمل متخلفانه کشور آمریکا صورت گرفته و به این ترتیب، به موجب آن چه که در ماده (۴۲) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل آمده است، به منزله استناد به مسئولیت بین‌المللی کشور آمریکا و عدم چشم‌پوشی از حق قلمداد می‌شود.

منابع

- (۱) ابراهیم گل، علیرضا، ۱۳۹۲ش، اقدامات متقابل و مسئولیت بین‌المللی ناشی از منافع جمعی، خرسندی.
- (۲) شاو، ملک، ۱۳۹۴ش، حقوق بین‌الملل: مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی، ترجمه اسماء سالاری، خرسندی.
- (۳) عابدینی، عبدالله، روزگاری، خلیل، ۱۳۹۳ش، حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی: ترجمه متن و شرح مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، خرسندی.
- (۴) امیری، فاطمه، ۱۳۸۷ش، شیوه‌های جبران خسارت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) با تکیه بر پرداخت غرامت مبتنی بر رویه قضائی بین‌المللی، پایان-





نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر سیدباقر میرعباسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

(۵) زمانی، سیدقاسم، میرزاده، منالسادات، ۱۳۹۲ش، مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال اعمال شرکت های خصوصی از منظر رویه ی قضایی و داوری بین المللی، پژوهش حقوق عمومی، ش ۴۰.

(۶) زهرایی، مرتضی، ۱۳۸۳ش، ضمانت اجرای آراء داوری بین المللی، مجله حقوقی بین المللی، ش ۳۱.

(۷) سبحانی، مهین، ۱۳۹۵ش، مرور زمان دعاوی قربانیان کاربرد سلاح های شیمیایی جنگ عراق با ایران، پژوهش حقوق عمومی، ش ۵۱.

(۸) سیفی، سید جمال، ۱۳۷۳ش، وحدت مسئولیت «قراردادی و غیرقراردادی بین المللی و آثار آن در حقوق معاهدات، تحقیقات حقوقی، ش ۱۳ و ۱۴.

(۹) ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۳ش، نگرشی بر مسئولیت بین المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، پژوهش حقوق عمومی (پژوهش حقوق و سیاست سابق)، ش ۱۳.

(۱۰) علاقه بند حسینی، یونس، یزدان نجات، رزا، ۱۳۹۲ش، گسترش استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در آئینه حقوق توسل به زور و مخاصمات مسلحانه، مجله حقوقی بین المللی، ش ۴۸.

(۱۱) گروه بین الملل باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۸ش، عراق: ترور سردار سلیمانی نقض حاکمیت ما بود»، ۱۷ دی. قابل دسترس در: <https://www.yjc.ir/00UCz1>

(۱۲) گروه سیاسی باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۸ش، نامه ایران به رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل در پی ترور شهید سلیمانی، ۱۴ دی. قابل دسترس در:

<https://www.yjc.ir/00UC2K>

(۱۳) لسانی، حسام الدین، منفرد، مهوش، ۱۳۹۶ش، تأملی بر مشروعیت سیاست کشتار هدفمند از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ش





۱۴) محبی، محسن، بذار، وحید، ۱۳۹۷ش، مفهوم استناد به مسئولیت بین‌المللی با تأکید

بر طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۱)، مطالعات حقوق عمومی، ش ۱.

- 15) Álvarez Ortega, Elena Laura (2015). "The Attribution of Responsibility to a State for Conduct of Private Individuals within the Territory of Another State", InDert, vol. I, pp. 1-44.
- 16) Bordin, Fernando Lusa (2014). "Reflections of Customary International Law: The Authority of Codification Conventions and ILC Draft Articles in International Law", International and Comparative Law Quarterly, vol. 63, pp. 535-567.
- 17) Crawford, James (2013). State Responsibility: The General Part, Cambridge University Press.
- 18) Fry, James D. (2014). "Attribution of Responsibility", in André Nollkaemper, and Ilias Plakokefalos (edn.), Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art, Cambridge University Press, pp. 98-133.
- 19) Guardian (2015). "life as a Drone Operator: 'Ever Stop on Ants and Never Give it Another Thought?'" , 18 November. Available at:
- 20) <https://www.theguardian.com/world/2015/nov/18/life-as-a-drone-pilot-creech-air-force-base-nevada>
- 21) Hannum, Hurst (1996). "The Status of the Universal Declaration of Human Rights in National and International Law", Georgia Journal of International and Comparative Law, vol. 25, pp. 287-398.
- 22) High Commissioner for Human Rights, Human Rights, Terrorism and Counter-terrorism, Office of the United Nations, Fact Sheet, no. 32.
- 23) Human Rights Committee (2018). CCPR/C/GC/36, General Comment No. 36 on Article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the Right to Life.
- 24) ICJ (1949). Corfu Channel, United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania, Contentious Case.
- 25) ICJ (1992). Certain Phosphate Lands in Nauru, Nauru v. Australia, Contentious case.
- 26) ICJ (2001). LaGrand, Germany v. United States of America, Contentious case.
- 27) ILC (2001). Draft Articles on International Responsibility of States (ARSIWA).
- 28) ILC (2011). Report on the Work of its Sixty-third Session, A/66/10, UNGAOR 66th Sess., Supp. No. 10. Draft Articles on Responsibility of International Organizations (ARIO).
- 29) International Covenant on Civil and Political Rights (1966).





- 30) Islamic Republic News Agency (2020). "Envoy Terms IRGC commander's Terror as "Terrorist, Criminal Act", 04 January. Available at:
- 31) <https://en.irna.ir/news/83619559/Envoy-terms-IRGC-commander-s-terror-as-terrorist-criminal-act>
- 32) Kolb, Robert (2017). *The International Law of State Responsibility: An Introduction*, Edward Elgar Publishing.
- 33) Kramer, Cheri (2011). "The Legality of Targeted Drone Attack as US Policy", *Santa Clara Journal of International Law*, vol. 9, pp. 375-398.
- 34) New York Times (2020). "U.S. Strikes Leader of Qaeda in Yemen", 31 January. Available at:
- 35) <https://www.nytimes.com/2020/01/31/world/middleeast/qaeda-yemen-alrimi.html>
- 36) Panda, Ankit (2020). "After US Strike on Soleimani, China and Russia Co-ordinate at UN; Moscow and Beijing are increasingly taking Steps in Tandem at the Security Council in Responding to US Actions", 08 January. Available at:
- 37) <https://thediplomat.com/2020/01/after-us-strike-on-soleimani-china-and-russia-coordinate-at-un/>
- 38) Presstv (2020). "Who was Ghassem Soleimani?", 04 January. Available at:
- 39) <https://www.presstv.com/Detail/2020/01/03/615247/Qassem-Soleimani>
- 40) Pugliese, Joseph (2011). "Prosthetics of Law and the Anomic Violence of Drones", *Griffith Law Review*, vol. 20, pp. 931-961.
- 41) Reuter, Paul (1991). "Trois observations sur la codification de la responsabilité internationale des États pour faitillicit", dans *Mélanges Michel Virally* (edn.), *Le droit international au srrvice de la paix, de la justice et du développement*, pedone.
- 42) Satkauskas, Rytis (2003). "A Bill for the Ocupants or an Issue to Negotiate: The Claims of Reparations for Soviet Occupation", *Baltic Yearbook of International Law*, vol. 3.
- 43) Times of Israel (2020). "France, Russia and China Condemn Slaying of Soleimani as a Destabilizing Act", 10 January. Available at:
- 44) <https://www.timesofisrael.com/france-russia-and-china-condemn-slaying-of-soleimani-as-a-destabilizing-act/>
- 45) UNGA (1948). *Universal Declaration of Human Rights*, Res. 217 A(III).
- 46) UNGA (2016). *A/71/80, Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Compilation of Decisions of International Courts, Tribunals and other Bodies, Report of the Secretary-General.*

- 47) UNHRC (2010). A/HRC/14/24/Add. 6; Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Execution Study on Targeted Killings, by Philip Alston.
- 48) UNRIAA (1938, 1941). Trail Smelter, United States of America v. Canada, vol. III.
- 49) Vermer-Kunzil, Annemarieke (2014). "Invocation of Responsibility", in André Nollkaemper and Ilias Plakokefalos (edn.), Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art, Cambridge University Press.
- 50) <https://www.icj-cij.org/en/list-of-all-cases> (Last seen: 2020-01-13).
- 51) <https://www.un.org/en/> (Last seen: 2020-01-13).
- 52) https://legal.un.org/ilc/guide/9_6.shtml (Last seen: 2020-01-13).
- 53) Ar.parliament.iq/2020/01/05/ (Last seen: 2020.04.27).
- 54) <https://plink.ir/x04w4> (Last seen: 2020.04.27).

